درسهاي آموزش فنلاندي بررسی کتاب «درسهای فنلاندی جهان از دگرگونی آموزشی فنلاند چه می تواند بیاموزد؟»

دیگران

ت. آموزش

از آزادی: «آزادی حرفهای در برنامه بیزی،

آموزُش، تشخیص دشواریها، اُجراً و ارزَشیابی برخوردارند. آزادی حرفهای، یکی از دلیلهایی

، 'ر است که باعث میشود بســیاری از آموزگاران همه زندگی کاریشان رادر این حرفه بگذرانند. ' ـیاری از آموزگاران، نام

یک زمینهای که در این سامانه آموزشی به آن توجه زیادی می شود مسأله آموزش کودکان ان توجه زیادی می شود مسأله آموزش کودکان استثنایی است. شناخت به هنگام کودکانی که به کمک های میشاند.

به کمک های ویژه نیاز دارند و فراهم ساختن

و پرورش استثنایی دو شسکل گوتاگون دارد و پرورش استثنایی دو شسکل گوتاگون دارد یکی نیمه وقت و دیگری همه وقت در شسکل نخست، دانش آموز به کلاس معمولی می روداما در شکل دوم دانش آموز در گروه یا کلاسی ویژه

در مدرسه معمولی یا در نهادی مستقل، حضور

می یابد برطبق گفته نویسنده، نیمی از جمعیت دانش آموزی، تا پیش از به پایان رساندن دوره

مدرسههای جامع، از برخی آنواع پشتیبانیهای آموزشی برخوردار میشوند و به همین خاطر حالت ایزوله بودن حضور در چنین کلاسهایی

محدوداست. سالبرگ در معرفیاش از آنچـه به موفقیت

تحصیلی بالااتجامید تأکیدمی کند که عامل های اثر گذاری از بیرون وجود دارد که بـ ه فرآیند بهسازی یاری می رساند: «کاری که دیوید برلینر

در روانشناسی آموزشی، لیندادار لینگهاموند در تربیت معلم، و اندیهارگ ریویز و میشل فولان

در دگرگونیهای آموزشی انجام دادند به دقت وارسی شدندواز دهه ۷۰ تاکنون، در آموزش و پرورش فنلاند به اجرا درآمدند. راز اثرگذاری

گامیآبانهاین ایدههای آموزشی برخاسته از آمریکا، انگلستان و کانادا این اســت که در مدرسههای

فنلانده برای چنیس مدل های عملگرایانه دگرگونی زمینه های حاصلخیز وجودداشت.»

ن در تونی رسیده ی حصیرر . ر ضمن اشاره به گرفتان برخی ایده هااز کشورهای دیگر سالبرگهمچنین به ایستادگی

در برابر بهسازی های نئولیبرال بازار -محور اشاره

می کُند که در بخش آموزش فنلاند، به راه افتاده بود. از رهگذر اشاره به عاملهای اثر گذار مثبت

بیرونی، ایستادگی در برابر گرایشهای ناخوانده و کامیابیهای آموزشی به دست آمده در فنلاند،

ویسنده درواقع به آن چیزی می سردازد که

ر کرد می این می این این این کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد می توانند از ســامانه آموزشی فنلاندی بیاموزنــد درسهایی که او گوشــزد

می کند این است که می توان از سامانه آموزشی

میانمایه به یک سامانه آموزشی الگورسید؛ راه دیگری به جز سیاستهای آموزشی بازار – مدار

هــم وجــود دارد؛ روشهایی جایگزیــن برای بهسازی مدرسه وجود دارد که از پسدشوارههای

. کنونی در زمینههای اموزشی برمی آیند؛ واین که نیازی برای فهم وابستگیهای چند سویه میان

نقش سرنوشتساز بازرگانی، فناوری، استخدام

ہِ دیگر بخُشھای دولتی ہــرای کامیابی بخش

موزشی وجود دارد. او در پایان می گوید: «شیوه فنلاندی دگرگونی آموزشی، بایدبرای کسانی انگیز مبخش

باشــد که پی بردهانــد که راه رقابت، گزینش، پاسخگویی

آزمون بنیاد و شیوه پرداخت

ر را . . . ر پر حقوق بر بنیاد عملکرد، راهی به بن بست است.»

رویستنده خوانند دار را به دو انتقاد مهیم از درسهای تجربیه فنلاتیدی بیرای کشیورهای دیگر هم آشینا

سنده، خوانندگان را با

. تىن انتقاد

راهحلاين كشورها،

کردن کنترلمدرسهها، باسخگوساخت: بیشت در

پاسخگوساختن بیشتردر قبال عملکرددانش آموزان،

مدرسههایدردسرساز،

بخشیازبرنامههای وبه راه ساختن این وضع هستند

نامعمولنيا

به صحت. کاربر آن کمکهای بایسته، در اولویت ا





اگرچه در سال ۸۳ تصویب شد تا ۳ در صداز

. نامی سازمانهای دولتی و خصوصی، باید برای معلولان درنظر گرفته شود،اماعملااین اتفاق نیفتاده است. «محمدحسین جوادی»عضوانجمن مددکاری در این باره می گوید: تنها ســـازمانی که درباره مسأله استخدام معلولان نظارت دارد، بهزیستی است. به همین دلیل هم تا به امروز، تنها سازمان هایی که به این موضوع اهمیت دادندو در استخدامهایشان از معلولان بهره بردند،مورد تشویق واقع شدندوامکاناتی در اختیار آنها قرار داده شده است. متاسفانه بسیاری ِ سازمانُ ها به دُليل محدوديتهايي كه افراد معلول ر سارمدن۔ بہ حیں دارنداز استخدام آنھاسر باز میزنندو کارشکنی ایجاد می کننگد. به عنوان مثال اُموزش و پرورش چند سال پیش از استخدام افراد معلول جلوگیری کرد که با پیگیری بهزیستی تاحدودی این موانع برداشته شد. نر صورتی که اگر سازمان ُهای دولتی حقوق معلولان راجزو حقوق انسانی بدانندهرگز چنین مواردی پیش نخواهد آمد قرار بر این بود که ۶۰ درصد از پستهای سازمانی ایراتور تلفن دستگاهها، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا، کُمبینا و معلولان ر چه ددی سولتی به درات بیست هاپید و سعودان جســـمی - حرکتی اختصاص پیدا کند که متاسفانه به صورت قاطعانه انجام نگرفته اســـتـ در حال حاضر . ســالاُنه یکـمیلیون و ۲۰۰هزار فرصت شُغلی ایجاد میشــود. تعداد کثیر فارغالتحصیلان دانشــگاهی . مهارت کمتری دارند را از میدان کار دُور کردهٔ این سالها و با زیاد شدن مشـکلات اُقتصادی، آمار شدهاند.بسیاری از معلولان در آزمونهای استخدامی

رتبههای بالایی کسب می کننداما به محض ورود به معلولان نمی تواننداز پس وظایف شغلی خود بر آیند در حالی که طبق تحقیقات کار مندان دارای معلولیت در مقایسه باسایر کارمندان از نظر حضور در محل کار، یمنی وعملکرد کلی کاربهتر بودهانداماًاعتُمادکردنُ به آنهابه سختی صورت گرفته است. دوبرابربودنمشكلاتزنانمعلول

أوردن أمار دقيقي از معلولان در دنيا براساس یک برآورد جهانی صورت می گیرد. در این ر برآورد معلولان جُسمى - حركتى ومعلولان ذهنى جــزوجامعه آمارى به حســـاب مى آينــد ومعلولان بسرو بست سروی اجتماعیی که به گفته جیوادی، یکی از مهم ترین گروههادر جامعه هستند به کلی نادیده گرفته شدهاند. معلولاتی که شامل معتادها، متکدیان و بچههای کار

• کشــورهای توسـعه یافته سال هاســت که رویکرد اجتماعی را بــرای معلولان ر در نظر گرفته اند. سعد از جنگ جهانی دوم و با با ۱۷ (فتر تعداد کسانی که در در نظر گرفته اند. در بعد از جنگ جهانی دوم و با با ۱۷ (فتر تعداد کسانی که در جنگ اعضای بدن خود را از دست دادند. کشورهای اروپایی و آمریکایی تصمیم گرفتند تا سبک دیگری را برای اداره کشور در نظر بگیرند. سبکی که می توانست به افراد دارای نقص عضو خدمات ارایه کنند و نیازهای آنها را مثل نیازهای افراد عادی در کشور تأمین کند.

باری از سازمان ها به دلیل محدودیت هایی که افراد معلول دارند از استخدام آنها سر باز میزنند و کارشکنی ایجاد می کنند. به عنوان مثال آموزش و پرورش چند سال پیش از استخدام افراد معلول جلوگیری کرد که با پیگیری بهزیستی تاحدودی این موانع بر داشته شد.

بادداشت ۱

طريق اين كانون باكارخانه فيروز آشناواز همان سال

۹۱ نیز مشغول به کار شده. یکی از مزایایی که این

۔ ر رہے ۔ کارخانه دارد، این است که با توجه به توانایی های هر فرد، برای او کاری را مهیا می کند و تنها کافی است

ر ۱٬۷۰۰ رص ۱ یک و فرد توانایی های خود را نشان دهد. من هم از کار در این مجموعه، بسیار راضی هستم، نهایت امر این است که می توانم در آمدی داشته باشم و در محیطی

که آن را دوست دارم و با حضور افرادی مانند خودم کار کنم. این امر باعث شد تا بتوانم بار دیگر روحیه

خود را به دست آورم و پس از اکسال بیکاری، برای خودم کاری داشته باشم، کارخانه فیروز هماز جمله

عدود مکان هایی است که برای معلولان کار ایجاد

ر می کی د. کرده است. من تاکنون محل کار دیگری را سراغ ندارم که چنین فضایی را برای معلولان ایجاد کرده

بست استورم چین خصاه یی، بیست ریجات شـود تا افراد معلول و توان یاب، حداقـل بتوانند از امکان شغلی بهرممند شوند و بیکاری در دی بر سایر

باشـداما اميدوارم چنين فضاهايي.

بردارند، به نیرو و توان خارق العادهای نیاز دارند. به آنها به عنوان یک انسان برابر نگریسته نمی شود و در این میان زنان معلول به طور مضاعف زیر این نابرابری خرد

، هر چند که با تصویبُ قانون

مايت از حقوق معلولان طي يک دهه گذشته وضع

آنها بهتر شده است اما همچنان و با وجود مشکلات اقتصادی این قشر روزهای سخت تری را پشت سر می گذارند. در کنار آن زنان معلول به عنوان گروهی

که کمتر مورد توجه واقع شدهاند وضع بدتری دارند. مصردان دارای معلولیت تقریبا دو برابر زنان دارای

معلولیت دارای شغل هستند. در این میان، وقتی زن دارای معلولیت، وارد شغلی می شود در بیشتر مواقع

از حُقَوق ومُزایای نَابُرابر، دسترسی نَابرابُر بَه باز اُموزی، حقوق ومنابع اعتباری داشته و عمد تابا تبعیض شغلی مواجه بوده و ندر تــا در تصمیم گیری های اقتصادی

مُشَارِ کَتُدادُه مَیُ شود. تاکنون مسائل اخص زنان بین معلولان نیز پشت پرده باقی مانده است. برای این که

زنان معلول مسائل ومشكلات خودرااز جلوى راه خود

معلولان نیز پشتپرده باقی مانده اس

حامعهای که بعداز جنگ جهانی توانمندمی شود

کشورهای توسعه یافته سالهاست که رویکرد نتماعی را بسرای معلولان در نظـر گرفتهاند. بعد از اروپایی و آمریکایی تصمیم گرفتند تاسبک دیگری را برای اداره کشور در نظر بگیرند. سبکی که می توانست به افراد دارای نقص عضو خدمات ارایه کند و نیازهای . اُنها را مثلُ نیازهای افرادُ عادی در کشور تأمینُ کند. جوادی در اینباره به «شهروند» می گوید: دولتمردان کشـورهای توسـعهیافته خیلی زودبـه این نتیجه رسـیدند که نقص و ناتوانی نتیجه یک جامعه ناتوان ت و نباید در این مورد افراد معلول مورد سرزنش قرار گیرند. به همین دلیل کشوری مثل آلمان با این ىقىيدە كەاگر كشورى اصولى ساختەشودوز يربناھاي در ســـتی داشـــته باشـــد می تواند به هر فر دی و با هر ر کر کر ہے. حدودیتی خدمات ارایہ دھد، تلاش کرد تا مشارکت جتماعی معلولان را در جامعے بالا ببرد. تأمین یک زندگی عادی برای معلولان مهم ترین چیزی بود که بن کشور برای آن تلاشُ می کردواز آن جایی که یکی ز نمودهای مهم مشارکت اجتماعی اشتغال است، ورهای پیشرفته به آن توجه ویژهای کردهاند. رر ت. ر. ر. . به تبع در چنین کشورهایی معلولان حقوق اجتماع بیشتری دارند و به راحتی می توانند از دواج کنند، کار داشته باشند و در سطح شهر رفت و آمد کنند.

ادامها: صفحه ۱۰

سالبرگ به حقیقتی مهم اشــاره می کند که نشانهی همچنوسی مهم بستاره عی نمد ته نشانهی همچنوسی مدت به برای کامیایی باشد. آنگونه که او می گوید آمریکا از کا هزینه آموزشیی خوده ۲۳۳ (سی و سه و نه ده همکار صد و کانا۲۵۵ (بیست و پنج و سه همکار میدار ایران پخش خصوم ریافت می کند درجالی که این رقیم در فنالاند تنها ۲۵ (دو و در حالی که این رقیم در فنالاند تنها ۲۵ (دو و مد استُ با این رُو در آزمونْهای جهانی، فنلاندبهترازاين كشورهابودهاست.

نویسنده توضیح می دهد که سامانه آموزشی فنلاتـد، در دهـه ۸۰، سـامانهای میانمایه بود اما در طول سه دهه گذشته، بنوسته رو به بهبود بوده است. یکی از نشــانه های دگر گونی مثبت یا پیشرفت سامانه آموزشی، نتیجههای . - - - ب - - - . برتر دانشآمــوزان این کشــور در آزمــون پیزا (PISA)ســـال ۲۰۰۱ در درسهای ریاضیات علوم و خواندن و نوشتن بود. عُملکر دبر تر فنلاند در پیزا و دیگر آزمونهای اســـتاندارد جهانی، به نظر نویسنده کتاب،دستاورد کوششی درازمدت بود، سالبرگ در درآمد کتاب، در پاسخ به این پرسش که چرا دانش آموزان فنلاندی، بهتر از دیگران عمل می کنند، به گونهای فشرده اینگونه پاســخ میدهد: «ســامانههای آموزشی دولتی در بســیاری از بخشهای جهان در بحران به س ر. می پرند. برای نمونه ایالات متحده، انگلســـتان، ســـوئد، نروژ و فرانسه کشـــورهایی هستند که به طور فزاینده کی، به خاطر ناکامی منطقه ای در فراهم کردن فرصتهای یادگیری کافی برای همه کودکان، به چالش گرفته می شوند. راه حل این کشورها، نامعمول نیستند: شدیدتر کردن این کشُورها، نامعمول نیسُتند: شدیُدتر کنترل مدرسهها، پاسخگو ســاختن بین قبالُ عملكُـرددانش آموزان، اخـراج آموز گارانُ بد و برچیدن مدرسـههای دردسرساز، بخشی از برنامههای رو به راه ساختن این وضع هستند ین کتاب به این نمیپردازد که رقاب دادههای بیشتر، برچیدن اتحادیه های آموزگاری، راهاندازی مدرسه های منشوری بیشتر اُمترجم . ندرسـههای منشـوری نوعـی مدرسـههای آمریکایی اند که براساس منشور و تمهای ویژه خود کار می کنند. ایا بکار گیری مدل های مدیریتی شـر کتی در سـامانههای آموزشــی، واکنش سخت- و سراســر متضادی- را پدید می آورند. پیام اصلی این کتاب این است که روشی دیگر هُم برای بهبود سامانه های آموزشی هُسَ در این روش،بهبودوضع نیروی آموزشی،محدود کُردن آُزُمونهای دانش آمُـوزی به یک کمینه بایســته، مقدم دانستن مســئولیت واعتماد به پاسخگویی وواگذاری مدرسه و مدیریت در سطح پ منطقه به حرفهایهای آموزشی، در دستور کار قرار می گیرند. اینها درونمایه مشترک سیاست ر ر ی در به جروحی استان عملکرد برتر-آموزشی در برخی از کشورهای با عملکرد برتر-واز آن میان فنلاند-در آزمونهای پیزا درسال ۲۰۰۹هستند.»

نويسنده براين باور است كەدرمدرسەھاى فنلاندى، شرایطُ بازی وجود دارد.این شـرایط، دانش آموزان را به کنجکاوی و آفرینش گری اخراج آموز گاران بدوبر چیدن به برخی مدرسههای خاص . بر محدودنیسـت و کمابیش در فنلاتــد عملکــرد همه د. ســه ها همانندنــد. د. كتاب بهنقل ازمنبعي ازسال

۲۰۰۶ اطلاعاتی آوردہ شدہ که نشان می دهد تفاوت عملکر د دانش آموزان در میان مدرسه ها، کمتر از ۵در صداست. . در فنلاً کد، به آموزشٌ، به چشم پیشهای درجه یک و بر تر، نگریسته می شود. برای اثبات درستی این سُخُنُ، نویسنده به شواُهدی استناد می کند: موقعیت بالای آموز گاران در جامعه فنلاند، آزادی حرفهای آموزگاران، حقوق بیسش از میانگین حقوق ملی، رقابت بالا برای ورود به ت و کیفیت بالای تربیت معلم برای گرفتن پروانه

و سیسه به ی بریت سیم برخی کرد. کار در مدرسههای فنلاند، شرط بایسته داشتن مدر ک کارشناسی ارشد است- سه سال برای لیسانس و دوسال برای فوق لیسانس. تربیــت معلــم در فنلانــد، دورهای پژوهش بنیاد دانسته میشود. گفته شــده که این دوره با «یکپارچهسازی نظریهها، روش شناسیها و تمرینهای پژوهشی، آمسوزش مهارتهای طراحی، هدایی پژواه (ایه پژوهشهای ریشهای روی جنبههای عملی و نظری آموزش و پرورش» به پیشمی رود. کیفیت تربیت معلم در این کتاب اینگونه معرفی می شـود: «برنامه در سی عمومی تربیت معلم، اطمینان می بخشد که آموز گاران تازه آماده شده فنالاندی، از دانش رر رای و مهارتهایی متعادل — هم نظری و هم عملی – بر خوردارند.همچنین خبرمی دهد که آموز گاران ر رار را آینده، بینش ژرفی را به درون آموزش و پرورش خواهند کشاندچرا که از چشم|ندازهای گوناگون روانشناسی و جامعهشناسی آموزشی، تئوری برنامه آموزشی، ارزشیابی دانش آموز، آموزش و

پرورش با نیازهای ویژه و دانش آموزشگری در رورس به نیره ی ویژه و تنسی هورست بری در مینه های در سی خودشان، بر خور دار ند.» پسس از گذرانسدن تربیت معلم، آمسوز گاران

بادداشت ۲

سایه کمرنگ بهزیستی بر معلولان

از ابتدا کم بینا بودم اما کم بینایی ام در حالتی بود که می توانستم با عینک از پس کارهایم بر آیم. به دلیل علاقه ام به ورزش به سمت «گلیال» ورزشی شبیه فوتبال که برای نابینایان طراحی شده است رفتم ودر آن بسیار ترقی کردم و توانستم به عضویت تیمملی درآیم. تمرین های تیمملی گل بال بسیار سنگین بود. گاهی وزنه های بسیار بزرگی را باید بالامی,بردیم وهمین تمرینات سخت هم باعث شد تا شبکیه چشمم پاره شود. ۱۲ بار عمل جراحی را تجربه کردم اما دید چشمانم کمتر و کمتر شد. پس از این اتفاق ورزش را کنار گذاشتم و از تیمملی هم ئناره گیری کردم. دوران بسیار سختی بود و بسیار افسرده شُده بوُدم. از سُویی هر گز از سوی تیمملی سراغی از من نگرفتند و به راحتی مرافراموش کردند. این درحالی بود که آسیب جدی برای چشمانم ایجاد شده به دلیل تمرینات سخت آن جا بود. بعد از آن شاید یکبار برای عضویت مجدد در تیوملی از ىُن دعوت شداماً مُن بهدليلٌ برخور دهايي كه پي از این شــده بود و کاهش توانایی هایم برای شرکت دُر تمرینهای سُخت این دعوت را نپذیرفتُم. تا آن که بهترین کار برای بهبود وضع زندگی ام را در بردن شغل دیدم. به این تر تیب در کانون ت آور دن شغل ىعلولان عضو شــدم و براى بەد



بیکاری در دی بر سایر در دها

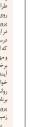
حاتم حاتمي كيا كارمند شركت فيروز

سـال ۸۳ نابینا شـدم. پیش از آن مشـغول کار جوشکاری بودم. کارم را دوست داشتم و از طرفی این کار برایم در آمد خوبی داشت. زمانی که مشغول کار جوشــکاری بودم، جوش به چشمانم ریخت و بیناییاُم را از دُستُ دادمُ پس از آن، مدتُ ۸ سالُ بیکار بودم سال های سختی بود. برای من که سال ها بابینایی زندگی کرده بودم، واقعا تجربه دشواری بود. از طرفی بزرگترین مشکلم در این سال ها، بیکاری بود و هزینه های سخت زندگی و درمان. در این مُدتُ سازمانها و نهادهای دیربط مانند بهزیستی هر گز کمکی به من نکردند پیگیریهای زیادی که در ایس: زمینه انجام دادم، ثمری نداشت. روزهای ین که در نهایت در سال ۹۱ از طریق یکی از دوستانی که او هم معلول بود با کانون معلولان آشــنا شدم و در آن ثبت نام کردم. این کانون خصوصی است و تنها زیرنظر بهزیستی فعالیت می کند. درنهایت از



عاطفه سرخورى كارمند شركت فيروز

اقدام کردم. یکماه هم نشد که کارخانه فیروز را به من معرفی کردند. سال ۸۹ بود که کارم را در این دوستّداشــتنی و صمیمــیای دارد. افراد به دلیلً این که دارای شــر ایط یکســان هســتند، یکدیگر را بەراحتىي درگ مى كنندو بىـە ھمين دليل ھم گار بســـیار راحــَتر میشود. مشــکل دیگری که در این ســالها همواره دشــواریهای بسیاری را ر پی سان دیگرانی که مانند من هســـتند ایجاد کرده، همراهی نکردن بهزیســـتی است. من عضو بهزیســـتی هســـتم اما تنها یک پرونـــده در آنجا . بر.. دارم و هر گــز حمایت لازم را از ســوی آنها دریافت نکردهام. مســتمری اندکی هم که به تعداد کمی از معلولان میدهــدرا نمی توانم دریافت کنم چراکه این مستمری به معلولان شــاغل تعلق نمی گیرد و ما تنها به این امیدیم که بهزیستی حمایتهای . فود را از جامعه معلولان افزايــش دهد. چراكه ما داراًی مشکلات بسیاری هستیم که این مشکلات بامُشــکلات مالی وبیکاری دوچندان شــدهاند.ما همواره بامعضلات درمانی گســتردهای هم روبهرو مستیم که تنهاامیدوًاریم تابهزیستی هرچه زودتر درصددرفعاینمشکلاتبرآید



میساًزد نخساتین انتقاد این است که از آنجایسی که فنلاند کشوری «کمابیش همگون» است دشوار است که بتوان تجربهاش را برای کشورهایی با گوناگونی بیشتر مورد توجه قرار دهیم. نکته دوم این است که این کشور «بیش از اندازه کوچک» است که ی (ر . ت کر ر ر ر بی کر به بین این بهسازی ک (الگوی شایســـته» برای بهسازی کشورهایی همچون آمریکا در نظر گرفته شود واین که نویسنده، چنین دیدگاههای متفاوتی را . خوانندگانمعرفیمیکند،نکتهمهمیار افزون بر این انتقادها، من دوست داشتم که نویسننده، منابع انتقادی بیشتری را در کتاب می گنجاند. از آنجایی که سالبرگ خودش یکی ی زنیروهای درونی سازمان آموزشُی فنالانداست— کســـی که هم نقطههای قوت و هـــم نقطههای ضعف را میداند- می توانسست دشسواری های عملی و نظریی که این سامانه هم اکنون با آن در گیر است را در اختیار ما بگذارد. پرسش دیگر ر پر کتاب این است که نویسنده و دیگر کارشناسان آموزش و پــرورش فنلانــدی، از نارسنستان آمورس و پیرورس فعادستان، از آزمون های استاندارد جهانی جانتقاد می پردازند با این روزه نویسنده بر موفقیتهای دانش آموزان فنانندی در همین آزمونها تأکیدمی ورزد جالب بوداگر اومی توانست برخی از دیدگاههای انتقادی به این آزمونها رادر اختیار مامی گذاشت.

به این آزمونه(ادراختیار ماهی دلاشت. از این انتقادهای کوچک من که بگذریم کتابی «درس های فنلات دی» کتابی آموزنده است. کسائی که دلبسته بهسازی آموزشی فنلاندی و کامیابی آش هستند و کسانی که با پژوهش های آموزشی، سیاستهای آموزشی، تربیت معلم و ەھاىھمبستەبالىنھاد*ر گىر*ند،مىتواننداز ر این کتاببهرهمندشوند.